

• فصل اول: سوالات حقوق مدنی

۱- کدام گزینه در مورد فرق حبس مطلق و عمری اشتباه است؟

- (۱) در عمری مدت ذکر می شود در حالی که در حبس مطلق، حرفی از مدت زده نشده است.
- (۲) عمری جایز است ولی حبس مطلق لازم است.
- (۳) عمری، قابل رجوع نیست، حبس مطلق، قابل رجوع است.
- (۴) در عمری مدت تا عمر است.

ه: گزینه ۲ ← فرق حبس مطلق و عمری:

۱. در عمری مدت ذکر می شود اما این مدت تا عمر است. در حالی که در حبس مطلق، حرفی از مدت زده نشده است.
۲. عمری لازم است ولی حبس مطلق جایز است.
۳. عمری، قابل رجوع نیست، حبس مطلق، قابل رجوع است.

۲- مخارج لازمه برای نگاهداری مالی که موضوع انتفا است در صورت فقدان شرط ضمن عقد بر عهده است.

- (۱) منتفع (۲) مالک (۳) هیچکدام (۴) هردو

ه: گزینه ۲ ← ماده : ۹ مخارج لازمه برای نگاهداری مالی که موضوع انتفاع است بر عهده منتفع

نیست میخواد بگه: «با مالک است» مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد. پس هزینه هایی که برای انتفاع، ضرورت دارد به عهده منتفع است مثل هزینه نظافت. هزینه هایی که برای تسهیل انتفاع است به عهده منتفع است مثل رنگ آمیزی اتاق. هزینه های که برای بقای اصل مال است بر عهده مالک است هزینه تعمیر. در وقف و حبس دائم هزینه های حفظ مال باید از منافع آن پرداخت شود.

۳- انتقال عین از طرف مالک به غیر ولی اگر منتقل الیه یا همان خریدار جاهل باشد که حق انتفا متعلق به دیگری است.....

- (۱) موجب بطلان حق انتفاع نمی شود - اختیار فسخ معامله را خواهد داشت.
- (۲) باعث ایجاد اختیار فسخ معامله می شود- موجب بطلان معامله می شود.
- (۳) موجب بطلان حق انتفاع می شود - اختیار فسخ معامله را نخواهد داشت.
- (۴) باعث ایجاد اختیار فسخ معامله نمی شود- موجب بطلان معامله نمی شود.

◀ ه: گزینه ۱ ← ماده ۳ : انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان یا [زوال] حق انتفاع نمی شود ولی اگر منتقل الیه یا همان خریدار جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت.

- کدام گزینه حق عینی است که نسبت به اموال غیر منقول اصلی ایجاد می شود. و چون وابسته به ملک است به طور

مستقل قابل انتقال نیست؟

◀ **ه: گزینه ۲** ⇐ حق ارتفاق حق عینی است که نسبت به اموال غیر منقول اصلی ایجاد می شود. و چون وابسته به ملک است به طور مستقل قابل انتقال نیست.

- حق ارتفاق از کدامیک از طرق زیر به دست نمی آید؟

(۱) قانون (۲) اذن (۳) قرارداد (۴) انتقال

◀ **ه: گزینه ۲** ⇐ حق ارتفاق از سه راه به دست می آید:

۱. قرارداد ۲. قانون ۳. اذن

- کدام گزینه تفاوت بین حق و اذن محسوب نمی شود؟

(۱) حق قابل رجوع است ولی اذن قابل رجوع نیست.

(۲) حق، قابل انتقال به دیگران است، اذن قائم به شخص است.

(۳) حق، با حجر از بین نمی رود ولی اذن با حجر از بین می رود. چه حجر اذن و چه حجر مأذون

(۴) حق، با فوت به ورثه می رسد، ولی اذن چه با فوت اذن (کسی که اذن می دهد) و چه با فوت مأذون از بین می رود.

◀ **ه: گزینه ۱** ⇐ حق، با حجر (محجور شدن) از بین نمی رود؛ کسی که حق داشته باشد و محجور بشود حق از بین نمی رود حبس مطلق چون حق

است با حجر از بین نمی رود ولی اذن با حجر از بین می رود. چه حجر اذن و چه حجر مأذون. حق، با فوت به ورثه می رسد، ولی اذن چه با فوت اذن (کسی که اذن می دهد) و چه با فوت مأذون از بین می رود.

حق، قابل رجوع نیست؛ یعنی اگر فرضاً شما به یک نفر حق دادین نمی توانید آن را پس بگیرید ولی اذن قابل رجوع است.

۷- از بین گزینه های زیر کدام گزینه نادرست است؟

(۱) وقف مجنون و صغیر غیر ممیز باطل است.

(۲) تاجر متوقف در زمان توقف میتواند اموال خود را وقف کند.

(۳) صغیر ممیز و سفیه اگر واقف باشند یک حکم دارند.

(۴) صغیر ممیز و سفیه اگر موقوف علیه باشند عقد وقف صحیح است قب با ولی یا وصی است.

◀ **ه: گزینه ۲** ⇐ تاجر متوقف در زمان توقف نمیتواند اموال خود را وقف کند.

۲۸- کدام گزینه وقف بر نفس و باطل است؟

(۱) وقف بر جهت (۲) وقف بر اولاد، اقوام و خدمه

(۳) وقف خاص (۴) وقف بر غیرمحصور

◀ **ه: گزینه ۳** ⇐ مواردی که وقف بر نفس نیست:

وقف بر اولاد؛ ۲. وقف بر اقوام؛ ۳. وقف بر خدمه؛ ۴. در وقف بر جهت، واقف خود را جزو موقوف علیهم قرار دهد؛ ۵. در وقف بر غیر محصور (نه محصور)، واقف خود را جزو موقوف علیهم قرار دهد. ماده ۷۲ ق. مقرر داشته که وقف بر نفس باطل است باید تصریح کرد این موضوع در مورد «وقف خاص» صادق است.

۹- همه گزینه های زیر در مورد وقف صحیح است به جز

- (۱) موقوف علیهم حق درخواست تقسیم مال موقوفه را ندارد.
- (۲) آنچه در اثر وقف به دست می آورند حق انتفاع است نه مالکیت کامل
- (۳) واقف نمیتواند شرط کند که منافع موقوفه مابین موقوف علیهم به تساوی تقسیم شود یا به تفاوت.
- (۴) موقوف علیهم نمیتواند قبل از مشخص شدن حصه آنها در مال وقفی تصرف کند زیرا مشاعا متعلق به آنهاست.

◀ **ه: گزینه ۳** ← ماده ۸۷ قانون مدنی: «واقف میتواند شرط کند که منافع موقوفه مابین موقوف علیهم

به تساوی تقسیم شود یا به تفاوت و یا این که اختیار به متولی یا شخص دیگری بدهد که هر نحو مصلحت میداند تقسیم کند». اگر نحوه تقسیم منافع مشخص نباشد: در وقف عام دو حالت است: ۱. اگر استفاده به طور مشترک امکانپذیر باشد که مشکلی پیش نمی آید (همه استفاده میکنند).

۲. اگر استفاده به طور مشترک امکانپذیر نباشد با متولی است که بگوید چگونه استفاده کنند. اما در وقف خاص: اگر متولی باشد و تعیین نشده باشد که چطور تقسیم کند متولی ممکن است به تساوی یا به تفاوت تقسیم کند.

۱۰- کدام گزینه از اسباب زوال سمت متولی نیست؟

- (۱) فوت متولی یا عزل ارادی
- (۲) فوت واقف
- (۳) فوت موقوف علیهم
- (۴) ۲ و ۳

◀ **ه: گزینه ۳** ← اسباب زوال سمت متولی:

فوت متولی یا عزل ارادی از اسباب زوال سمت متولی نه فوت واقف یا موقوف علیهم.

۱۱- کدام گزینه غلط است؟

- (۱) وقف عبارتست از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.
- (۲) در حبس اعم از عمری و غیره قب شرط صحت است.
- (۳) اگر موقوف علیهم یا هدف وقف منقرض شود تحت هر شرایطی وقف بر نمیگردد.
- (۴) حبس مؤبد آن عقدی است که مال از مالکیت حابس خارج می گردد.

◀ **ه: گزینه ۳** ← حبس مؤبد آن عقدی است که مال از مالکیت حابس (حبس کننده) خارج نمی شود

ولی برای محبوس لهم (کسی که مال به نفعش حبس شده) تا ابد حق انتفاع برقرار میشود.

۱۲- کدام گزینه صحیح است.

- (۱) تعهد، «رابطه حقوقی» است اما ضمانت اجرا ندارد.

۲) تعهد اخلاقی دارای ضمانت اجرایی حقوقی نیست.

۳) تعهد مختص اشخاص حقیقی است.

۴) تعهد طبیعی، داری ضمانت اجرای حقوقی است.

◀ **ه: گزینه ۲** ⇐ تعهد از نظر حقوقی در معنای خاص کلمه در حقیقت: «رابطه حقوقی الزام آوری است که به موجب آن یک طرف در مقابل طرف دیگر انتقال مال یا یک فعل را به عهده میگیرد.» از این تعریف اوصاف ذیل دانسته میشود:

تعهد، «رابطه حقوقی» است و «ضمانت اجرا» دارد، یعنی اگر من به میل خودم آن را انجام ندهم، از طریق دستگاه قضایی من را ملزم میکنند (دارای ضمانت اجرای حقوقی است)، به این امر «ضمانت اجرا» گفته میشود. تعهد اخلاقی دارای ضمانت اجرایی حقوقی نیست. تعهد طبیعی، داری ضمانت اجرای حقوقی نیست.

هر تعهد حداقل «دو طرف» دارد، بنابراین کسی برای خود نمیتواند متعهد شود، هر دو طرف میتوانند شخص حقوقی یا شخص حقیقی یا ترکیبی از این دو باشند.

منشا تعهد می تواند اعمال حقوقی باشد یا وقایع حقوقی.

۱۳- عاریه چه نوع عقدی است؟

(۱) عقد اذنی (۲) ایقاع (۳) عقد تملیکی (۴) عقد نامعین

◀ **ه: گزینه ۱** ⇐ عقد اذنی: عقدی است که اثر حقوقی آن «اذن» است یعنی یک نفر به دیگری اذن میدهد که کاری بکند؛ مثل عاریه، ودیعه و وکالت.

۱- عقد لازم از چه طریق منحل میشود؟

(۱) فسخ به استناد یکی از اختیارات (۲) انحلال (۳) انفساخ (۴) همه موارد

◀ **ه: گزینه ۲** ⇐ عقد لازم به طریق های ذیل منحل میشود:

۱ - فسخ به استناد یکی از اختیارات

۲ - اقاله: انحلال عقد با اراده دو طرف (تفاسخ)

۳ - انفساخ: عقد به حکم قانون منفسخ می شود.

۱- ابراء چه نوع عقدی است؟

(۱) عقد تشریفاتی (۲) عقد رضایی (۳) ایقاع رضایی (۴) ایقاع تشریفاتی

◀ **ه: گزینه ۳** ⇐ عقد تشریفاتی و عقد رضایی: عقد رضایی عقدی است که هی تشریفاتی نمیخواهد و با ایجاب و قبول بسته میشود یعنی هر جور ببندید بسته میشود و انعقادش علاوه بر مندرجات ماده ۹۰ ق.م.م. مستلزم

تشریفات اضافی نیست، مثل اینکه یک گوشی بخرد. اکثر معاملات روزمره رضایی است، مانند بیع منقول، اجاره و مضاربه، قرض، ودیعه، حتی نکاح.

ایقاع رضایی: ایقاعی است که تشریفات ندارد و هر جور منعقد کنید میشود؛ مثل ابراء.

اصل: اصل بر رضایی بودن عقود و ایقاعات است؛ یعنی اصل این است که عقود و ایقاعات تشریفات نمیخواهند. به عبارت بهتر، عینی یا تشریفات بودن نیاز به تصریح دارد.

ایقاع تشریفات: ایقاعی است که تشریفات میخواهد و اگر تشریفات آن رعایت نشود باطل است. در قانون مدنی عقد تشریفات نداریم فقط یک ایقاع تشریفات داریم به نام طلاق. در سایر قوانین چند تا عقد تشریفات داریم

۱- عقد ضمان نقل ذمه نسبت به ضامن..... و نسبت به طلبکار..... است.

(۱) باطل - لازم (۲) لازم - باطل (۳) لازم - لازم (۴) باطل - باطل

◀ **ه: گزینه ۳** ▶ ضمان نقل ذمه : این ضمان نقل ذمه عقدی است لازم هم نسبت به ضامن و هم نسبت به طلبکار.

۱۷- در کدام مورد عقد ضمان نقل ذمه قابل فسخ است؟

(۱) اعسار ضامن (۲) بودن حق فسخ نسبت به سبب دین مضمون له (۳) خیار تخلف از شرط (۴) همه موارد

◀ **ه: گزینه ۳** ▶ در ۳ مورد عقد ضمان نقل ذمه قابل فسخ است: (۱) اعسار ضامن

(۲) بودن حق فسخ نسبت به سبب دین مضمون له (۳) خیار تخلف از شرط

۱۸- ضمان نقل ذمه مانند: رهن و كفالت نسبت به ضامن،..... است و نسبت به طلبکار..... است.

(۱) لازم - جایز (۲) جایز - لازم (۳) لازم - لازم (۴) جایز - جایز

◀ **ه: گزینه ۱** ▶ ضمان نقل ذمه نسبت به ضامن، لازم است و نسبت به طلبکار، جایز است مانند: رهن و كفالت.

۱۹- در چه عقدی است که به موجب آن، طلب شخصی از ذمه مدیون به ذمه شخص الی منتقل می گردد؟

(۱) ودیعه (۲) حواله (۳) جعاله (۴) ضمان نقل ذمه

◀ **ه: گزینه ۲** ▶ ماده ۷۲ ق مدنی: حواله عقدی است که به موجب آن، طلب شخصی از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالثی منتقل می گردد.

۲۰- در عقد حواله مدیون، طلبکار و شخص ال به ترتیب چه نام دارند؟

(۱) محیل - محتال - محال علیه (۲) محال علیه - محیل - محتال